

اخلاق در نظام حقوقی: دادرسی عادلانه در هیأت های شبه قضایی ثبتی

وحید جهانی میجانی^۱، دکتر مصطفی سراجی*^۲، دکتر منصور فرخی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس، بندرعباس، ایران

۲. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندر عباس، بندر عباس، ایران

۳. گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۰۴)

چکیده

زمینه: دادرسی عادلانه و منصفانه، به عنوان یکی از بنیادی ترین مطالبات اخلاقی در نظام حقوقی می‌تواند پیامدهای مثبتی را در نظام حقوقی برجای گذارد. تأثیرگذاری نظام ثبتی در جامعه در حال افزایش می‌باشد و لازم است تا پیمایش های مناسبی درباره رعایت انتظارات از آنها به ویژه در زمینه توجه به قواعد ماهوی دادرسی منصفانه انجام شود. در قوانین و مقررات ثبتی به صراحت نسبت به دادرسی عادلانه اشاره ای نگردیده است و نظام دوگانه ای قابل تصور است. نخست، در برخی از این اصول گزاره هایی در راستای رعایت آن در هیأت های شبه قضایی ثبتی دیده می شود. دوم، وجود کاستیهایی که کفه ترازو را به آن سمت سوق می‌دهد و در مجموع اینکه توجه کافی و شایسته‌ای به جایگاه و اهمیت اصول دادرسی منصفانه در روند شکل دهی هیأت های شبه قضایی ثبتی مشاهده نمی شود. این مقاله، ضمن بررسی هیأت‌های شبه قضایی ثبتی نشان می‌دهد که دادرسی عادلانه یکی از شاخه های دادرسی اخلاقی و مطلوب بوده که به رغم اهمیت بالای آن در قوانین و مقررات ثبتی کمتر بدان پرداخته شده است.

نتیجه گیری: یافته های این پژوهش نشان می‌دهد تسری تضمینات دادرسی عادلانه و منصفانه در این هیأت‌ها به نحو کامل و در تمام مراحل رسیدگی ممکن نیست که این امر منجر به تضییع حقوق اشخاص می‌گردد. شایسته است فرایند مطلوبی در بازنگری قوانین و مقررات ثبتی و بازتاب قواعد دادرسی منصفانه و تعیین ضمانت اجرایی اندیشیده شود تا از این طریق امکان منصفانه سازی دادرسی هیأت‌های فوق افزایش یابد و بنیان های اخلاقی نظام حقوقی دچار تزلزل نگردد.

کلیدواژه‌گان: اخلاق، نظام حقوقی، دادرسی عادلانه، هیأت‌های شبه قضایی

سر آغاز

این هیأت‌ها مبتنی بر آیین دادرسی^۴ و ساختاری کاملاً تخصصی‌اند و گفتمان رسیدگی آنها غیر قضایی و در بعضی از رسیدگی ها تا جنبه قضایی قابل بررسی می‌باشند.

آنچه در این مقاله مد نظر است، پیش‌بینی دادرسی منصفانه متناسب با اهداف و مقتضیات دادرسی هیأت‌های شبه قضایی ثبتی می‌باشد. بدین ترتیب که تحقق عدالت به عنوان یک هدف راهبردی در جهت حمایت قضایی^۵ مؤثر از حقوق بشری برای اشخاص منوط به رعایت دادرسی منصفانه در این هیأت‌ها می‌باشد چرا که نابرابری حقوق ماهوی میان طرفین دعوی ممکن است به دادرسی و جریان رسیدگی به دعوی میان آنها نیز تسری یابد(۱).

تمایل قانونگذار به تصویب قوانین مبتنی بر هنجارهای اخلاقی^۶ و حقوق بشری^۷ در دهه‌های اخیر برای حمایت قضایی از اشخاص در

هیأت‌های شبه قضایی ثبتی^۱، به مثابه یکی از حیات مدرن متشکل از اجزای مختلفی همچون آیین دادرسی، نیروی انسانی^۲، تشکیلات، قوانین و مقررات خاص خود می‌باشند. در این بین، نحوه تشکیل آیین دادرسی و شیوه اجرای آن مهم‌ترین موضوع قابل بررسی در این هیأت‌ها می‌باشد. بنابراین ضرورت دارد که آیین دادرسی هیأت‌های شبه قضایی ثبتی با عنایت به اهداف و ویژگی‌های آن دادرسی مورد بررسی قرار گرفته تا بستر مناسبی در جهت برخورداری از یک دادرسی منصفانه برای اشخاص، فارغ از ویژگی های فردی و خاص خود قرار گیرد و نظام حقوقی از پشتوانه اخلاقی لازم برخوردار گردد.

هیأت‌های شبه قضایی ثبتی، قلمروی نوین در نظام حقوقی^۳ هستند و در پی نیازهای اجتماعی با هدف پیدایش مراجعی به غیر از دادگستری، در خارج از ساخت سیاسی و قضایی تأسیس شده‌اند.

نویسندهٔ مسئول: نشانی الکترونیکی: seraji@iauba.ac.ir

داد، اخلاق در فرایند دادرسی است. هرگاه بتوان معیارهایی عینی برای سنجش رعایت عدالت در یک دادرسی ارائه نمود، می توان راجع به رعایت اخلاق در نظام حقوقی اظهار نظر دقیق تری کرد(۶).

دادرسی عادلانه

آیین دادرسی یکی از بنیادهای اساسی حقوق و لازمه استقرار عدالت قضایی^{۱۳}، در کنار سایر اصول حقوقی و در سه شاخه مدنی، کیفری و اداری مورد بررسی قرار می گیرد. شناسایی سه شاخه آیین دادرسی در نظام حقوقی، مبتنی بر این باور است که ساختار آیین دادرسی علاوه بر مراجع دادگستری، مراجع اداری را هم در بر گرفته است.

تأسیس مراجع اداری، ایجاد نوعی دادرسی خاص و در نتیجه اطلاعات فنی و آگاهی های تخصصی در رشته وابسته به آنها را به وجود آورده است که این ایجاد بر وقوع اختلافات در حوزه کارکردی افزوده است. همچنین به دلیل برتری مراجع فوق و ایجاد نابرابری ممکن میان طرفین، امکان تجاوز از اختیارات و نادیده گرفتن حقوق اشخاص را ایجاد می نماید. نابرابری فوق در بسیاری از دادرسی ها فاقد منطبق بوده و با ایراداتی مواجه می باشد و لازم است برتری اداره نسبت به شهروند در رسیدگی به دعاوی میان اداره و شهروند تعدیل و جبران شود (۷).

در تاریخ حقوق عمومی همواره سعی بر این بوده است که ضمن پذیرش حاکمیت دولت و نهادهای عمومی، با ابزارهای مختلف قدرت عمومی تعدیل، کنترل و مهار شود(۸). تعدیل و کنترل قدرت منجر به تحقق عدالت می گردد و این امر با ابزار مهمی همچون دادرسی امکان پذیر است. بنابراین دادرسی یکی از راه های تضمین قانونمندی است که همه مقامات را ملزم به رعایت قانون، برابر کردن امکانات برای همه، تجدیدنظر خواهی از آرای ناصواب در مراجع بالاتر و بالاخره اتخاذ تصمیم به طور کاملاً منطقی و موجه می نماید(۹).

بنابراین مبحث دادرسی عادلانه و منصفانه مرکز ثقل هر دادرسی است. جایگاه شناسی دادرسی عادلانه، مهم ترین گفتمان ادبیات حقوقی است که می تواند حقوق و آزادی ها را چه به شکل فردی و چه به شکل جمعی حفظ نماید. حقوق به ویژه در بخش آیین دادرسی خود، علی الاصول بر پایه اندیشه عدالت بنا گردیده است و آیین دادرسی به منظور اجرای عدالت و اصل تساوی بودن قانون برای همگان، حفظ حقوق بنیادین طرفین دادرسی تأسیس و تنظیم گردیده است. لذا پایه و اساس اصل مطلوبیت آیین دادرسی مبتنی بر جایگاه اصول دادرسی عادلانه و منصفانه است.

تضمینات آیین دادرسی، تحت تأثیر آموزه های مبتنی بر اخلاق و رعایت حقوق بشر، در حقوق داخلی مشهود می باشد. دادرسی منصفانه، با ارائه مجموعه واحدی از تضمینات، یک دستاورد و نوآوری قابل توجه در عرصه دادرسی تلقی شده و واجد آثار حقوقی و عملی جدی بر تضمین واقعی و مؤثر حقوق شهروندی است(۱۰). بنابراین دادرسی منصفانه در قوانین و مقررات نامتعارف و غیر منصفانه جایگاهی ندارند.

در قلمرو اعمال دادرسی منصفانه، رویکرد موسع دادرسی منصفانه، هیأت های شبه قضایی ثبتی و فرآیندهای تصمیم گیری آن را شامل می گردد.

مراجع دادگستری و تسری تضمینات دادرسی عادلانه و منصفانه در برداشت موسع برای مراجع اداری به منزله این ضرورت است که با توجه به ملاحظات اخلاقی و حقوق بشری، دفاع از کرامت انسانی^{۱۴} و حقوق بنیادین^{۱۵}، علاوه بر دادگاه های دادگستری، فرآیندهای تصمیم گیری هیأت های شبه قضایی ثبتی را مشمول قواعد دادرسی منصفانه می داند (۳ و ۲).

لذا از آنجایی که قانونگذار تضمین رعایت حقوق بشر را در مؤلفه های اصلی خود مورد توجه قرار داده است، این سوال مطرح می گردد که آیا در قوانین و مقررات ثبتی، تحول و پیشرفت به سوی حمایت حقوقی- قضایی مؤثر از حقوق بشر با استفاده از یک آیین دادرسی مناسب با مجموعه تضمینات دادرسی عادلانه و منصفانه حاصل می گردد؟

در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت که سابقه ای به صورت منسجم و کافی که دادرسی منصفانه را در هیأت های شبه قضایی ثبتی (علی الخصوص ادارات اجرا) بررسی نموده باشد، مشاهده نشد و از این حیث پژوهش تازگی دارد. بنابراین سعی خواهد شد با توجه به ماهیت و اهمیت هیأت های فوق، به بررسی این هیأت ها و ساختار مراجع فوق به طور مختصر به موجب قوانین و مقررات ثبتی در ایران پرداخته و آیین دادرسی هیأت های فوق را با توجه به اصول دادرسی عادلانه و منصفانه مورد ارزیابی قرار داد.

برای آنکه بتوان دادرسی منصفانه را در آیین دادرسی هیأت های شبه قضایی ثبتی مورد بررسی قرار داد، لازم است که در آغاز اخلاق در نظام حقوقی مورد بحث قرار گرفته و سپس دادرسی عادلانه را تبیین کرد.

اخلاق در نظام حقوقی

نسبت شناسی حقوق و اخلاق^{۱۶} یکی از مسائل پر دامنه در مباحث فلسفی حقوق می باشد. تاریخ تئوری حقوقی در غرب شاهد این مدعاست به گونه ای که نظریات حقوق طبیعی^{۱۷}، اثبات گرایی حقوقی^{۱۸}، نظریه تاریخی حقوق، رویکردهای انتقادی حقوق و ... هر یک به نوعی موضعی مشخص نسبت به تفکیک، وحدت یا تعامل قواعد حقوقی با هنجارهای اخلاقی ارائه کرده اند. حقوق و اخلاق هر یک نظامی هنجاری ناظر به رفتار انسان ارائه می دهند که بر خلاف رویکردهای تفکیکی و اتحادی، در تعامل با یکدیگر می باشند؛ قواعد حقوقی مبتنی بر منطق ادراک اعتباریات عملی در راستای تأمین غایات و مصالح انسان اعتبار می یابند و از آنجا که مصالح اخلاقی تأمین کننده بخشی از نیازها و مصالح انسان می باشد می تواند غایت قاعده حقوقی یا منشأ اعتبار آن قرار گیرد. البته این دیدگاه بدان معنا نیست که ضرورتاً باید جملگی قواعد و غایات اخلاقی به قاعده حقوقی تبدیل شوند بلکه به این معناست که در اعتبار قواعد حقوقی ناگزیر باید غایات اخلاقی در نظر گرفته شوند(۴ و ۵).

بنابراین بی شک رابطه بین اخلاق و حقوق امری مسلم و مورد تأیید و تأکید فلاسفه و اندیشمندان اخلاقی و حقوقدانان است. از جمله مباحثی که به طور خاص می توان رابطه این دو را مورد کنکاش و بررسی قرار

در این هیأتها که قدرت و حاکمیت به عنوان یکی از طرفین حضور دارد، بی شک حاکمیت قواعد دادرسی منصفانه لازم و ضروری است (۱۰). به عبارت دیگر، با توجه به آنکه رسیدگی های هیأت های شبه قضایی ثبتی در پرتو قضا دایی و در نقطه متقابل گرد هم آوردن رسیدگی در مراجع قضایی قرار می گیرد، پیش بینی صلاحیت برای این هیأتها در چارچوب روند قضا دایی بر پایه دادرسی منصفانه قرار می گیرد. بنابراین این حق قاعده مهمی است که در دادرسی اداری هیأت های شبه قضایی ثبتی می بایست رعایت گردد زیرا اهمیت انکارناپذیری برای تأمین حقوق و تضمین اصل حاکمیت قانون دارد. بی توجهی به امر فوق منتهی به نارضایتی مردم از این هیأتها خواهد شد و در نهایت مشروعیت^{۱۴} و مقبولیت را با چالش جدی روبرو می سازد.

هیأت های شبه قضایی ثبتی

بررسی جایگاه هیأت های شبه قضایی ثبتی مستلزم تبیین ماهیت حقوقی این هیأتها و اعضای آنها است و آشنایی با شماری از مهم ترین هیأت های شبه قضایی ثبتی است. از این رو، در دو گفتار جداگانه این دو موضوع را مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد.

الف) ماهیت حقوقی هیأت های شبه قضایی ثبتی

مناسبات جدید در روابط حقوقی موجب گسترش دخالت دولت در فرآیند رسیدگی ها شده است. با شکل گیری نظام جمهوری اسلامی ایران، با بهره جستن قانونگذار و تدبیر راه های قانونی و تاسیس نهادهای حقوقی برای رسیدگی به دعاوی، شکل سنتی دولت تغییر و امروزه شکل دیگری هم از رسیدگی به امور حقوقی و اجتماعی بر روابط زندگی بشر به وجود آمده است.

هیأت های شبه قضایی ثبتی، از جمله مصادیق دادگاه های اختصاصی اداری که در پی نیازهای حقوقی و اجتماعی و بنا به تشخیص قانونگذار، خارج از مراجع دادگستری تأسیس و صلاحیتهای لازم را دریافت نموده اند. مقامات و کارمندان آن به امر عمومی می پردازند و کاملاً تحت حاکمیت حقوق عمومی و نظارت سلسله مراتبی قرار دارند. حکمت پیدایش این هیأتها با ایده کاهش تمرکز و انحصار در فرآیند تصمیم گیری ها و ملاحظاتی همچون افزایش سرعت، صلاحیت و اثربخشی تصمیمات بوده است. بهره مندی از صلاحیتهای به لحاظ اهمیت و جایگاه و به لحاظ تأثیرگذاری در رسیدگی به دعاوی ثبتی و در مواردی صلاحیت در دعاوی دادگستری، این گونه تصور می گردد که مرجع رسیدگی به این صلاحیتهای فقط دادگستری می باشد. بنابراین هیأت های شبه قضایی ثبتی با در نظر گرفتن اهداف فوق به امر شبه قضایی مرتبط با قوانین حقوقی و ثبتی و آرا وحدت رویه مرتبط با حقوق ثبت می پردازد. لذا تصمیمات این هیأتها در حوزه حقوقی با نظام کارکردی املاک و اسناد مانند نظام دادگستری قابلیت ترتیب اثر دارند.

ب) مهم ترین هیأت های شبه قضایی ثبتی

پس از بررسی ماهیت حقوقی هیأت های فوق، اینک لازم است تا شماری از مهم ترین هیأت های شبه قضایی ثبتی به گونه ای فشرده مورد اشاره قرار گیرند.

ادارات اجرای اسناد رسمی

ادارات اجرای اسناد رسمی^{۱۵} به مثابه هیأت بدوی در سازمان ثبت، به لحاظ کارکردی شبیه ترین هیأت به نظام دادگستری می باشد. ادارات اجرا با ماهیت شبه قضایی، به واسطه ماهیت اقداماتش به عنوان یک دادگاه اختصاصی اداری، بسیاری از وظایف دادگاهها از جمله وصول مطالبات اشخاص حقیقی یا اشخاص حقوقی، ممنوعیت خروج از کشور نسبت به اشخاص حقیقی برای اسناد ذمه ای، مزایده اموال اعم از اموال منقول یا اموال غیر منقول، مهریه، اسناد رهنی، چک و ... را انجام می دهد و در واقع بیش از اشتغال به امور ثبتی، به امور قضایی می پردازد و در نحوه اجرا مشابه اجرای احکام محاکم دادگستری می باشد (۱۱). با این تفاوت که ادارات اجرا از همان ابتدا نسبت به توقیف اموال اقدام می نمایند و در نتیجه روند وصول مطالبات و اجبار متعهدین به انجام تعهد در ادارات اجرای ثبت با سرعت بیشتر در مرحله اول، بدون پرداخت هزینه قانونی انجام می گردد. اهمیت ادارات اجرا در نظام حقوقی از آن جهت است که اشخاص بسیاری با توجه به وظایف مهم آن سروکار داشته و یک تعامل و ارتباط دو جانبه بین اشخاص و ادارات اجرا برقرار می باشد.

هیأت عالی نظارت اسناد

هیأت عالی نظارت، یکی از تأثیرگذارترین نهادهای قانونی کشور در زمینه حقوق ثبت می باشد. این هیأت مرجع تجدید نظر ادارات اجرا و ادارات املاک در سطح استان و حوزه وظایف و اختیارات آن صرفاً کلیه اختلافات و اشتباهات امور ثبتی همان ادارات در اداره کل می باشد. در یک دسته بندی کلی، هیأت عالی نظارت مرجع شبه حقوقی در محدوده دادگاه های اختصاصی اداری بوده و حوزه وظایف آن در ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت در ۸ بند، ماده ۲ لایحه قانونی راجع به اشتباهات ثبتی و اسناد مالکیت معارض، تبصره الحاقی به ماده دوم قانون ثبت، ماده ۲۰ آیین نامه اجرایی مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون ثبت، ماده ۸ آیین نامه اجرایی ماده ۱۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه و مواد ۱۷۰ الی ۱۷۲ آیین نامه اجرایی مفاد اسناد رسمی بیان گردیده است.

صلاحیتهای بی نظیر این هیأت به شکل ذاتی ترافعی در امور اداری بوده و موجب می گردد که در حیطه صلاحیت هر یک از این وظایف هیچ یک از مراجع قضایی یا اداری دیگر نتواند اعمال صلاحیت نماید (۱۲).

هیأت عالی نظارت با توجه به آنکه رسیدگی شکلی دارد اما در دو مورد شبیه مراجع دادگستری است: اول اینکه در ترکیب اعضا دو نفر از قضات دادگستری حضور دارند و دوم اینکه، تشریفات رسیدگی در هیأت عالی نظارت مانند تشکیل پرونده، تنظیم گزارش، ثبت آراء، ابلاغ رای و ... با تشریفات رسیدگی در دادگستری شباهت دارد (۱۳).



متکی به آیین نامه می باشد، دارای قوانین مصوب مجلس می باشند. بنابراین کلیه تصمیمات این هیأتها براساس قانون خواهد بود. برای مثال هیأت نظارت و شورای عالی ثبت با توجه به مواد ۲۵، ۲۰، ۶ قانون ثبت و آیین نامه اجرایی قانون اصلاح مواد (۱ و ۲ و ۳) ... متکی به پشتوانه قانون موضوعه کشور است. از سوی دیگر قانون موضوعه مربوط به لحاظ مقطع زمانی تصویب آن سازگاری نسبتاً مطلوبی با اصل حاکمیت قانون دارد فلذا با لحاظ مشروع و قانونی بودن در مبنای شکل گیری هیأتهای شبه قضایی مطلوب ارزیابی می گردد اما صرف مبنای مشروع و قانونی برای شکل گیری و در نهایت دادرسی منصفانه کافی نخواهد بود و این در واقع مقدمه ای بر شکل گیری دادرسی منصفانه با لحاظ شاخصه قانونی بودن دادگاه قلمداد می شود (۱۴).

حق بر دادخواهی

حق بر دادخواهی، بدیهی ترین جلوه دادرسی منصفانه در هیأت های شبه قضایی ثبتی می باشد زیرا اول اینکه به موجب این حق، اشخاص فارغ از ویژگی های فردی و خاص خود حق مراجعه به این هیأتها را دارند و دوم اینکه این حق ضامن صیانت از حقوق اشخاص و پیش شرط امنیت قضایی است به نحوی که بدون شناسایی و تضمین آن سخن گفتن و در نتیجه حاکمیت قانون فاقد مبنای علمی است (۱۵). حق دادخواهی در شمار حقوق مدنی به شمار می رود. از طرفی یک حق اساسی است که جایگاهی استوار و نشانی آشکار دارد و مهم ترین مستند آن اصل ۳۴ قانون اساسی است. از طرف دیگر در زمره حقوق شهروندی است و مطابق آن می توان دعوی را علاوه بر مراجع دادگستری، نزد مراجع اداری در صورت داشتن صلاحیت اقامه و به داوری آنان سپرد.

نحوه تحقق حق دادخواهی در هیأت های شبه قضایی ثبتی دارای دو جنبه مثبت و منفی است. از جنبه های مثبت حق دادخواهی، نخست شناسایی چندین هیأت در امور مختلف ثبتی می باشد. دوم به ۴ مرحله ای بودن رسیدگی و عدم دریافت هزینه دادرسی در ابتدای امر می توان اشاره نمود. وجود ۴ مرحله برای اعمال حق دادخواهی برای طرفین شامل (اداره اجرای اسناد و ادارات املاک به عنوان هیأت های بدوی، هیأت نظارت مرجع تجدید نظر، شورای عالی ثبت و دیوان عدالت اداری) نام برد. جنبه منفی این حق در هیأت های ثبتی آن است که هیأت های شبه قضایی ثبتی به مانند مراجع دادگستری مطلق نیستند و این به آن دلیل است که هیأت های شبه قضایی ثبتی دچار کمبود شعب می باشند. برای مثال هیأت نظارت مطابق ماده ۶ اصلاحی قانون ثبت، در مرکز هر استان تشکیل می گردد و یا شورای عالی ثبت در تهران است و این باعث شده افراد از شهرستان های دور به سختی بتوانند به احقاق حق بپردازند.

استقلال

اصل استقلال در خصوص هیأت های شبه قضایی ثبتی بسیار مهم و اساسی است چرا که این هیأتها برای انجام وظایف محوله نیازمند استقلال در ایفای صلاحیتها و به دور بودن از فشار و اعمال نفوذ می باشند. یکی از مهم ترین چالشهای مربوط به استقلال هیأت های شبه قضایی ثبتی، وابستگی سازمانی با قوه قضاییه است که از برخی

ساختار آیین دادرسی هیأت عالی نظارت بر دو مینا پایه گذاری شده است. مبنای اول به موجب گزارش و درخواست ادارات اجرا یا واحد های ثبتی و مبنای دوم هم به دلیل شکایت طرفین دعوا یا وکلای آنها می باشد.

شورای عالی ثبت

دایره شمول شورای عالی ثبت، کل کشور است. عالی ترین هیأت شبه قضایی در سازمان ثبت که مطابق با ماده ۲۵ قانون ثبت، مرجع تجدید نظر نسبت به آراست، هیأت عالی نظارت است. وجود این هیأت با صلاحیت رسیدگی شکلی و ماهوی، به عنوان ضمانتی در جهت جلوگیری از تحرف از قانون و رفع اشتباهات احتمالی محسوب می گردد. شورای عالی ثبت به دو شعبه املاک و اسناد تقسیم می گردد. اعضای این شعب ترکیبی از قضات و کارشناسان متخصص (معاون آن شعبه در سازمان) است. قضات انتخابی از دیوان عالی کشور و با ابلاغ ریاست قوه قضاییه منصوب می گردند. مفید صلاحیت دیوان در رسیدگی به آرای قطعی مطلق مراجع اختصاصی اداری از حیث نقص قوانین و مقررات و یا مخالفت با آنها است، مگر در مواردی که به موجب قانون مستثنی شده باشد.

شورای عالی ثبت بر مبنای ظاهر و به گونه ای که شهرت یافته است، مرجع تجدید نظر نسبت به برخی از آرای هیأت نظارت می باشد اما واقعیت این است که شورای مذکور صلاحیت دیگری هم دارد از جمله:

مرجع تجدید نظر

ایجاد وحدت رویه

دادرسی عادلانه در آیین دادرسی هیأت های شبه قضایی

ثبتی

در اینجا اصول دادرسی عادلانه و منصفانه در هیأت های شبه قضایی ثبتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سپس در ذیل هر اصل از دادرسی منصفانه، وجود یا عدم وجود آن اصل در رسیدگی های شبه قضایی ثبتی مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

اصل قانونی بودن

اولین و مهم ترین رکن هیأت های شبه قضایی ثبتی، اصل قانونی بودن خواهد بود. این اصل در قانون اساسی و قانون عادی قابلیت جستجو دارد. نسبت به هیأت های شبه قضایی ثبتی در قانون اساسی صراحت لهجه ای وجود ندارد و فقط به صورت غیر مستقیم در اصل ۳۴ و اصل ۱۷۳ به وجود مراجع غیر دادگستری اشاره شده است. در قانون عادی ماده اول قانون ثبت اسناد و املاک بیان می دارد: در هر حوزه ابتدایی به اقتضای اهمیت محل، یک اداره یا دایره ثبت اسناد و املاک تاسیس می شود. قانونی بودن فرآیند رسیدگی نیز در مقدمه ماده شش قانون ثبت به صراحت بیان شده است ((برای رسیدگی به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبت اسناد و املاک)) نشان از اهتمام واضعان این قانون برای رعایت اصل قانونی بودن در هیأت های شبه قضایی ثبتی را دارد. هیأت های شبه قضایی ثبتی به جز اداره اجرای اسناد رسمی که

تواند دادرسی عادلانه را مخدوش کند. در مقابل پیشنهاد شده است که به طرف دعوا اختیار داده شود که رسیدگی در حضور افراد متخصصی که وی تعیین و معرفی می کند به شکل دادرسی علنی برگزار شود (۱۸). در پاسخی می توان گفت: هدف از علنی بودن دادگاه ها، نظارت مردم و افکار عمومی بر جریان دادرسی است (البته این حق مطلق نیست) (۱۹). و رعایت آن در دادگاه های اختصاصی اداری، به خصوص برای نظارت بر عملکرد این مراجع نیاز است. در این راستا افراد می بایست فرصت و امکان حضور در جلسات هیأت های شبه قضایی ثبتی را داشته باشند اما در هیچ کدام از مواد قانونی صراحتاً سخنی از علنی بودن به میان نیامده است و فقط به صورت غیر مستقیم بر حقوق طرفین اشاره شده است که این امر بی شک مفید برگزاری علنی رسیدگی می تواند باشد.

تنها در آیین نامه اجرای اسناد رسمی و در خصوص پرونده های اجرایی در ماده ۱۷۱ آمده است: هرگاه هیأت نظارت محتاج به توضیحاتی از اجرا یا طرفین قضیه باشد، می تواند توضیحات لازم را بخواهد. با توجه به قید این ماده عملاً دست هیأت نظارت را نسبت به برگزاری جلسات غیر علنی باز گذاشته است و در عمل شاهد چنین رویدادی یعنی تشکیل جلسه به صورت غیر علنی هستیم. از این حیث در هیأت نظارت و شورای عالی ثبت، دادرسی منصفانه رعایت نمی گردد و نیاز به بازنگری در قوانین مربوطه وجود دارد.

رسیدگی در مهلت معقول

یکی از اصولی که دادرسی منصفانه را می تواند در هیأت های شبه قضایی ثبتی به بهترین نحو ممکن تضمین نماید رسیدگی در چارچوب و بازه زمانی مشخص می باشد زیرا تأخیر می تواند موجب از دست رفتن ادله در هیأت های شبه قضایی باشد. همچنین این تضمین در دادرسی اداری از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا یکی از ویژگی های مراجع اختصاصی اداری قواعد شکلی و آیین دادرسی ساده تر و بدون تشریفات پیچیده است (۲۰). در آیین دادرسی هیأت های شبه قضایی ثبتی، ملاک و معیار واحدی برای رسیدگی در مهلت منطقی نمی توان عنوان کرد. در آیین نامه اجرایی اسناد رسمی نسبت به آغاز و ختم پرونده زمانی ذکر نگردیده است و بسیاری از پرونده ها در چندین سال تشکیل مندرج به صدور رای نشده اند. در هیأت عالی نظارت هم زمان خاصی جهت صدور رای اعلام نگردیده است. مطابق ماده ۳ آیین نامه اجرایی رسیدگی اسناد مالکیت معارض و هیأت نظارت و شورای عالی ثبت به مدت زمان جهت صدور رای ساکت و تنها شرایط صدور رای را بیان داشته است. همان طور که در بالا توضیح داده شد هدف از تشکیل دادگاه های اختصاصی اداری از جمله هیأت های شبه قضایی ثبتی کاستن از تشریفات دادرسی و زدودن اطاله دادرسی می باشد. بنابراین با توجه به اقدامات کلی در روند پرونده در واحدهای ثبتی، تشکیل جلسات بیشتر در طول هفته و یا ماه در هیأت نظارت و شورای عالی ثبت و بدون تشریفات خاص، شاهد رسیدگی در زمان کمتر و منتج شدن پرونده به صدور رای خواهیم بود. البته مطابق با ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی رسیدگی اسناد مالکیت معارض و هیأت نظارت و شورای عالی ثبت مصوب ۱۳۵۲، هیأت نظارت و شورای عالی ثبت برای سرعت بخشیدن

جهت می تواند مورد انتقاد قرار گیرد. الگوی حاکم بر ساختار این هیأت ها می بایست وابستگی سازمانی این هیأت ها به نهادی خارج از دادگستری و مشخصاً قوه مجریه باشد.

به نظر صرف این واقعیت را نمی توان به معنای آن دانست که وابستگی سازمانی این هیأت یا بقیه هیأت ها به قوه قضاییه خللی به استقلال آنها وارد نمی سازد. هم چنین استقلال ساختاری به تنهایی نمی تواند نوید بخش یک دادرسی منصفانه باشد زیرا همواره می توان به نوعی در روند رسیدگی و یا نحوه صدور و اجرای رای دخالت نمود. بنابراین علاوه بر استقلال ساختاری هیأت شبه قضایی باید به استقلال در رأی آن نیز توجه نمود و از آن حمایت کرد. استقلال در رأی نیز همانند استقلال ساختاری موارد متعددی را در بر می گیرد که عدم رعایت آنها می تواند آیین دادرسی را از حالت منصفانه خارج سازد. لذا می بایست در جهت تحقق دادرسی منصفانه به اصول کلی و موازین حقوقی در دیوان عدالت اداری امیدوار بود. یا در اجرای ماده ۱۶۹ بسیاری از آرای صادره که توسط رییس اجرا به دلیل تسلط بر امور ثبتی صادر می گردد، توسط قضات عضو در هیأت نظارت و یا شورای عالی ثبت که چندان تسلط بر امور ثبتی ندارند، بررسی می گردد.

دادرسی منصفانه در هیأت های شبه قضایی ثبتی از منظر نهادی شکلی

در نظام های حقوقی پیشرفته، اهمیت قواعد شکلی قطعاً از قواعد ماهوی کمتر نیست بلکه میتوان گفت که تمامی تحلیل ها و بررسی های راجع به قواعد ماهوی و تمام تلاش هایی که حقوقدانان برای استخراج قواعد عادلانه صورت می گیرد توفیق آن در گرو این است که این قواعد به درستی اجرا شوند. اصول فوق برابری افراد را در هیأت های شبه قضایی و رسیدگی تضمین می نمایند.

علنی بودن دادرسی

اصل علنی بودن دادرسی جزو مباحث شکلی دادرسی منصفانه می باشد. علنی بودن رسیدگی توسط مراجع قضایوتی یکی از مهم ترین تضمینات تحقق دادرسی تقابلی به شمار می رود و به معنای آن است که دادرسی باید به صورت علنی انجام شده و تضمینات مرجع رسیدگی به صورت عمومی اعلان گردد (۱۶). این اصل از یک سو می تواند باعث ایجاد شفافیت و تقویت اعتماد عمومی مردم به دستگاه قضایی و مراجع شبه قضایی شود و از سوی دیگر به تضمین و تقویت حق دادخواهی می انجامد (۱۷).

این سوال وجود دارد که با توجه به تخصصی بودن دادگاه های اختصاصی اداری، برگزاری جلسه علنی ضروری بوده است یا خیر؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که چالش جمع میان اصل علنی بودن دادرسی در دادگاه های اختصاصی اداری و اصل تخصص، از چالش های پیش رو است. موضوعات دادگاه های اختصاصی اداری جنبه تخصصی دارد و از این رو باید به شکل تخصصی رسیدگی شود. بنابراین عده ای معتقدند که با توجه به جنبه تخصصی برگزاری دادرسی علنی ضروری نبوده و نمی

دفاع نمایند. یکی از مسائل مهم در خصوص حق دفاع در هیأت نظارت و شورای عالی ثبت، کیفیت اعمال این حق در شعب دیوان عدالت اداری است. در واقع پس از اعتراض هریک از طرفین نسبت به آرای این هیأتها، شعب دیوان براساس ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به اعتراض مطروحه رسیدگی می نماید.

اصل مستند و مستدل بودن تصمیمات

از دیگر اصول دادرسی منصفانه که می بایست در هیأت های شبه قضایی ثبتی رعایت گردد، مستند و مستدل بودن تصمیمات به قوانین و مقررات ثبتی و دیگر قوانین جاری در کشور می باشد. این اصل جزئی از اصل حاکمیت قانون با عبور از مرز تصمیمات مراجع قضایی توانسته است بر تصمیمات دادگاه های اختصاصی اداری حاکم گردد و حتی مدیران اداری نیز جهت جلوگیری از خودکامگی و تحقق اصل حاکمیت قانون در تصمیمات خود، ملزم به رعایت آن گردیده اند (۲۲).

در ماده ۱۶۹ آیین نامه اجرای اسناد رسمی آمده است که رییس ثبت می بایست با ذکر دلیل رای صادر نماید. دلیل همان مستندات قانونی در پرونده (شامل ابلاغ اجرائیه و سایر ابلاغ، هزینه ها، گزارش ارزیابی و یا احکام دادگاه ها و...) می باشد. در شورای عالی ثبت و هیأت نظارت استان این مسئله به خوبی مورد شناسایی قرار گرفته است.

ماده ۵ آیین نامه اجرائی اسناد مالکیت معارض و هیأت نظارت و شورای عالی ثبت بیان می دارد: رأی هیأت نظارت دارای مقدمه ای مشتمل بر خلاصه جریان کار و بیان اشکال و موضوع اختلاف بوده و منجز و مستدل و بدون قید و شرط و ابهام صادر می شود و چنانچه به اتفاق آراء نباشد نظر اقلیت به طور مشروح و مستدل در آن قید خواهد شد و همچنین آراء صادره باید مستند به مواد قانون باشد و در آن صریحاً قید شود که قطعی است یا قابل تجدیدنظر می باشد. همچنین سند ۳۹۶ مجموعه بخشنامه های ثبتی اعلام می دارد: با اینکه در ماده ۵ آیین نامه اجرائی رسیدگی اسناد معارض و هیأت نظارت و شورای عالی مقرر گردیده، آراء صادره هیأت نظارت باید مستدل به مواد قانون باشد و در آن صریحاً قید شود که قطعی و یا قابل تجدید نظر می باشد، عملاً ملاحظه می شود که به مفاد ماده مزبور توجه نشده است.

لذا مجدداً تاکید می شود اولاً: مدیران کل ثبت مناطق دقت کنند در آراء صادره هیأت نظارت صریحاً قید گردد که رأی صادره مستند به کدام یک از فراز ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت است. ثانیاً: در مواردی که به رأی هیأت نظارت اعتراض می شود ضمن گزارش ارسالی صریحاً تعیین نمایند که رأی هیأت نظارت اجرا شده است یا خیر؟

در عمل شاهد هستیم که آرای صادره از هیأت نظارت (حداقل نسبت به ماده ۱۶۹ آیین نامه اجرا) با مفاد ماده ۵ و سند ۳۹۶ چندان همخوانی ندارد زیرا منظور قانون گذار بررسی تمام عوامل و مستندات پرونده ارسالی بوده است نه کلمات و عبارتی در حد چند سطر. غایت دادرسی منصفانه در شاخصه مستدل بودن آراء یعنی برشمردن استدلالات و

در کارها بر طبق اختیار قانونی حاصله هیأت نظارت و شورای عالی ثبت فهرستی از اشتباهات مؤثر و غیر مؤثر تهیه و در اختیار رؤسای واحدهای ثبتی قرار داده اند تا در حدود اختیارات قانونی به اشتباهات مذکور رسیدگی نمایند (۱۳).

حق تجدیدنظرخواهی

تجدیدنظرخواهی یک ضرورت اجتناب ناپذیر در هیأت های شبه قضایی ثبتی می باشد زیرا این حق به عنوان بخشی از اصول دادرسی منصفانه در جهت حمایت هر چه بیشتر از کرامت انسانی و رعایت حقوق بشر به حساب می آید.

همچنین با توجه به ماده ۱۵۵ آیین نامه اجرای اسناد، برای حفظ حقوق شهروندان نسبت بندهای ب و ج و قسمت اخیر بند د ماده ۱۵۵ به رییس اجرا اختیار داده شده است تا چنانچه عملیات اجرائی را مخالف قانون تشخیص دهند نظر به تجدید عملیات داده شود. مطابق با تبصره ۴ ماده ۲۵ قانون ثبت بندهای اول و پنجم و هفتم آرای هیأت عالی نظارت، قابلیت شکایت و تجدیدنظرخواهی در شورای عالی ثبت را دارند.

برفرض صحت عملکرد هیأت نظارت در احراز صلاحیت به شایستگی خود یا دادگاه، بند ۸ ماده ۲۵ قانون ثبت در شرایطی از شمول تجدیدنظرخواهی مستثنی شده که اولاً در این مورد برخلاف بندهای دو، سه، چهار و شش ماده ۲۵ قانون ثبت موضوع با طرح شکایت و اعتراض افراد به نظر رییس واحد ثبتی در هیأت نظارت مطرح و رسیدگی می شود. ثانیاً به طور قطع بعد از ابعاد تصمیم هیأت نظارت در این مورد خاص و به لحاظ طرفینی بودن پرونده های اجرا محل به حقوق افراد خواهد بود و از این حیث قاعدتاً می بایست بند ۸ ماده ۲۵ نیز لااقل مانند بندهای ۴ و ۶ خارج از صلاحیت هیأت نظارت از جهت محل بودن به حقوق افراد قرار می گرفت (۲۱).

استفاده از ظرفیت های تبصره ۴ ماده ۲۵ قانون ثبت برای تجدیدنظرخواهی از آراء هیأت نظارت در امور مربوط به پرونده های اجرائی تبدیل به رویه شد چرا که به موجب این تبصره مدیر کل ثبت استان می توانست بابت تجدیدنظرخواهی از آراء قطعی هیأت نظارت و به طور خاص آراء مشمول بند ۸ ماده ۲۵ باز کند (۱۴).

امکان دفاع

بی شک دادرسی منصفانه مستلزم امکان دفاع در معنای مطلوب آن برای طرفین و تساوی امکانات و ابزارهای در دسترس برای آنها در این زمینه است (۷). امکان دفاع در تمامی اسناد مربوط به دادرسی منصفانه مورد اشاره و تاکید قرار گرفته است. این اصل از آن رو اهمیت دارد که بدون رعایت آن، ضمن آن که دادگاه برای صدور رای تمامی دلائل و شواهد را بررسی نکرده است در واقع برخی از اصول دیگر دادرسی منصفانه نیز بی اثر می شوند (۱۴).

در هیأت نظارت و شورای عالی ثبت، به وسیله لوایحی که شخص یا وکیل وی به اداره ثبت یا اجرای اسناد در راستای اعتراض به رأی رییس ثبت تقدیم می دارد، به طور غیرمستقیم حق دفاع پیش بینی شده است اما این رویه با اصول دادرسی منصفانه همخوانی ندارد زیرا مطابق با اصل علنی بودن طرفین یا وکلای آنها حق دارند به صورت حضوری

دلایل طرفین در پرونده توسط هیأت نظارت و شورای عالی ثبت و نهایتاً پذیرش یا رد آن دلایل با دلایل قانونی است.

نتیجه گیری

از یک طرف، آیین دادرسی منفک از دادرسی منصفانه نیست و مصداقی از این حق اساسی به نظر می رسد و از سوی دیگر، آیین دادرسی رابطه ایجاد می بیند میان اشخاص و هیأت های فوق بوده و دادرسی منصفانه به این رابطه عینیت می بخشد و ابزار تداوم دادرسی مطلوب را فراهم می کند. بنابراین انتظار می رود آیین دادرسی هیأت های شبه قضایی ثبتی، که از حوزه های جدید دادرسی بوده و مطالبات کمتری از این حق مزبور را توانسته است مورد توجه قرار دهد، در بعد تئوریک و عملی بحث و تحقیق، دادرسی مطلوب را به دنبال داشته باشد و به موازات بازنگری در قوانین و مقررات ثبتی، تضمین بیشتری از این حق را در هیأت های شبه قضایی ثبتی قوام بخشد.

حق شکایت در هیأت های شبه قضایی ثبتی نمونه خوبی از حقوق شهروندی می تواند باشد اما نکته قابل توجه آن جز در موارد استثنایی، حق مراجعه حضوری به هیأت عالی نظارت و شورای عالی ثبت می باشد که پیش بینی نشده است. اقدام قانونگذار در اعطای صلاحیت به هیأت های فوق به منظور رسیدگی به اشتباهات امری ستودنی است زیرا حقوق ثبت، میدان تخصص ها است و چه کسی را می توان یافت که از کارشناسان ثبت به اشتباهات ثبتی و اصلاح آن آشناتر باشد، اما رسیدگی به مقوله اختلافات محبت دیگری است که سپردن آن به این هیأتها محل تردید است و راه انتقاد را با توجه به آیین دادرسی این هیأتها نامفهوم می سازد.

آنچه به نظر نگارندگان توانسته است این هیأت ها را از دادرسی منصفانه دور کند، علاوه بر قوانین کهنه و فرسوده، آن است که برخی از مقامات رسیدگی کننده در این هیأتها دانش حقوقی در خصوص قواعد ادله ای دادرسی منصفانه و تشریفات مربوط به آن را ندارند بلکه متخصص در موضوعات مطروحه در آن مرجع می باشند لذا این امر اصول دادرسی منصفانه را به تعبیری غیر ضروری ساخته است. بنابراین می توان بیان داشت که فارغ از موارد جزئی از اصول دادرسی منصفانه در مقررات مربوط به این مراجع، که آن هم در سایه اختیارات وسیع مراجع یاد شده به حاشیه رانده می شود، اصول دادرسی منصفانه در رسیدگی های هیأت های شبه قضایی ثبتی جریان ندارد.

بنابراین یکی از مهم ترین راه های حق بنیاد کردن آیین دادرسی هیأت های فوق، توجه به اصول دادرسی منصفانه می باشد و شایسته است زمینه و فرایند مطلوبی در بازنگری قوانین و مقررات ثبتی و بازتاب قواعد دادرسی منصفانه و تعیین ضمانت اجرای اندیشیده شود تا از این طریق امکان منصفانه سازی دادرسی هیأت های فوق افزایش یابد.

ملاحظه های اخلاقی

موضوعات اخلاقی همچون: سرقت ادبی، رضایت آگاهانه؛ انتشار چنگانه و ... در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته اند.

واژه نامه

| | |
|-------------------------------------|-------------------------|
| 1. Registered quasi-judicial boards | هیأت های شبه قضایی ثبتی |
| 2. Manpower | نیروی انسانی |
| 3. Legal system | نظام حقوقی |
| 4. Procedure | آیین دادرسی |
| 5. Judicial support | حمایت قضایی |
| 6. Ethical norms | هنجارهای اخلاقی |
| 7. Human rights | حقوق بشر |
| 8. Human dignity | کرامت انسانی |
| 9. Fundamental rights | حقوق بنیادین |
| 10. Ethics | اخلاق |
| 11. Natural rights | حقوق طبیعی |
| 12. Legal positivism | اثبات گرایی حقوقی |
| 13. Judicial justice | عدالت قضایی |
| 14. Legitimacy | مشروعیت |
| 15. Official documents | اسناد رسمی |

References

1. Yavari A. (2014). From trial to fair trial: a change in the classical concept and realm of litigation and its guarantees. *Legal Researches*; 17(65). (In Persian).
2. Sabri S, Pashazadeh H, Gharibeh A, Vakilzadeh R. (2020). Principles of preventing fraud in business from the ethics perspective. *Ethics in Science and Technology*; 14:13-18. (In Persian).
3. Afrasiabi S, Khoeini G, Mojtahed Soleimani A. (2020). Legal and ethical principles of criminalization in Iran's criminal law. *Ethics in Science and Technology*; 14 (4):1-6. (In Persian).
4. Khodamoradi R, Ghoorchi-beigi M. (2021). Relationship between ethics and fundamental rights of individuals in the Iranian penal system. *Ethics in Science and Technology*; 16 (3): 9-13. (In Persian).
5. Haghparast S, Kaviani K, Kohvand H. (2016). The moral end of the legal rule; a comparative approach in the theory of Western law and Islamic law. *Comparative Research of Islamic and Western Law*; 3(4): 49-72. (In Persian).
6. Ghanavati J, Mandani E. (2018). Ethics and a fair trial in the light of the predictability of the rules of procedure. *Ethical Research*; 8(3): 159-183. (In Persian).
7. Yavari A. (2015). From criminal law to criminal jurisdiction: the extension of criminal guarantees in a fair trial to quasi-criminal proceedings. *Journal of Legal Studies, Shiraz University*; 2(3). (In Persian).
8. Zare'ei MH. (2015). *Discourses in modern public law: the rule of law and democracy*. 1st ed. Iran/Tehran: Khorsandi Publication. (In Persian).
9. Tabatabaei Motameni M. (2008). *Comparative Administrative Law: The rule of law and comparative administrative proceedings in several*



17. Hodavand M. (2007). Judicial oversight of administrative matters from the perspective of good governance. [Ph.D. thesis]. Shahid Beheshti University. (In Persian).
18. Davar M. (2014). Criminal jurisdiction in Iranian law (fair trial in non-judicial proceedings). 1st ed. Iran/Tehran: Mizan Publication. (In Persian).
19. Synmonides J. (2000), Human rights: concept assessment on procedure of the supreme audit court from the perspective of a fair trial ept and standards. UNESCO: 85.
20. Khosravi A. (2013). Legal pathology of specific administrative authorities in Iran and presentation of a single administrative procedure (comparative study with English law). [Ph.D. thesis]. Qom University. (In Persian).
21. Bakhtar SA, Raesi M. (2004). Registration rights. 1st ed. Iran/Tehran: Third Line Publication. Pp 27-41. (In Persian).
22. Zareei MH. (1997). An analysis of the relationship between administrative law and public administration based on the rule of law. Journal of Public Management; 11(3): 27-44. (In Persian).
- large countries. 1st ed. Iran/Tehran: Samt Publication. (In Persian).
10. Fallahzadeh AM, Kamrani M. (2019). Evaluating the procedure of the Court of Audit from the perspective of a fair trial. Legal Journal of Justice; 83(108). (In Persian).
11. Afroogh S. (2018). Implement the provisions of binding official documents. 2nd ed. Iran/Tehran: Khorsandi Publication. (In Persian).
12. Nejabatkhah M. (2017). Pathology of the structure and competencies of specific administrative authorities in Iranian law. Journals of Legal and Judicial Perspectives; 77: 200-207. (In Persian).
13. Azardad L. (2010). The position of civil rights in the quasi-judicial authorities of the State Property and Deeds Registration Organization. 1st ed. Iran/Tehran: Jangal Publication. (In Persian).
14. Ahmadi K. (2011). Quasi-judicial authorities registered in the light of the principles of fair trial. [M.A. thesis]. Qom University, Iran. (In Persian) .
15. Gorji A. (2008). Rule of law and restrictions on the right to litigation in the Court of Administrative Justice. Journal of Basic Rights; 9 (3). (In Persian).
16. Akbari E. (2020). Pathology of labor proceedings in the Iranian legal system. 1st ed. Iran/Tehran: Sahamiye Enteshar Publication. (In Persian).

